

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۰/۰۹/۱۶



به انتخابات زیر اشغال فقط «نه» بگوئیم

اینک اشغالگران غربی بار دیگر با بیشرمی خاصی هیاهوی انتخابات پارلمانی را در افغانستان به راه انداخته تا با این درامه مضحک در برابر چشمان مردم پرده ستر بیاویزند و در پس پشت آن تجاوزگری، اشغال و جنایات خود را پنهان نمایند. یکی از شگردهای امپریالیست ها در کشورهای زیر اشغال این است که توده های مردم را با چنین نمایشاتی اغفال کنند تا عمر تجاوز و اشغال را درازتر نمایند. این بار نیز مانند انتخابات گذشته لابد و ظنفروشانی به پارلمان پوشالی راه خواهند یافت که هر کدام برای خدمتگذاری در زیر چکمه های تجاوز گل خواهند کاشت.

در انتخابات ۸۹ نیز بخش اعظم کاندیدان را جنگسالاران، طالبان، خلقی ها، تکنوکرات ها و پرچمی های مزدوری تشکیل داده که افسار شان با مشیت استخبارات غربی، ایرانی و پاکستانی گره خورده و مطمئناً که این بار نیز اینان به ولسی جرگه خواهند رفت. کثرت جناوران کاندید این بار چشمگیر بوده و نشان می دهد که شبکه های جاسوسی متجاوزان نسبت به گذشته فعالتر و پرمصرف تر شده و هر یک می کوشند عوامل خود را به پارلمان بفرستند. سودهای کلانی که «وکلا» گذشته به قول لنین ازین «طویله» به جیب زده اند، با دیدن آن آدم هائی که از چتلی زورمداران هم بی ارزش ترند نیز خود را کاندید کرده و با هر خفتی از هر دری پول به دست می آوردند و برای کسب شهرت و عزیز شدن نزد بادران، می کوشند هر طوری شده وارد این «طویله» گردند. اینان به این خاطر پول های کلانی را به مصروف می رسانند و برای دستیابی به سودهای پارلمانی شب از روز نمی شناسند و به هر دناقتی تن می دهند.

با تمام شعارهای میان خالی، تهدیدها و مصارف سرسام آور، اشغالگران تلاش دارند به این انتخابات شکلی ببخشند، اما مردم افغانستان در هر گذر و کوچه بی هیچ اغماضی به طور علنی به نکوهش این بی آرمی ها پرداخته با برحذر داشتن یکدیگر از شرکت در انتخابات می پرسند که «این پارلمان پیش خارجی ها چه ارزش و صلاحیتی دارد؟»، «بار گذشته اینان چه کردند که باز رأی بدهیم»، «اینان همان خونریزهائی اند که فرمان

خودبخشی را امضاء کردند»، «اکثر کاندیدان جاسوسان خارجی اند»، «کسانی که کامیاب می شوند از قبل تعیین شده اند»، «اینان پول های کمپاین را از کجا می کنند» و حتی بر تصویر برخی ها چتلی و یا رنگ می پاشند. تصاویر بیشتر کاندیدان که با ادا های فلمی بر بلیوردهای کلانی نصب شده، برای عابران و مخصوصاً پسران و دختران جوان به شوخی های مزه داری مبدل شده، آنان را پوشالی، بیشرم و غیرجدی می دانند که فقط ارزش مسخره شدن را دارند.

درین انتخابات مطمئناً گراف شرکت مردم بسیار پائین خواهد بود زیرا باز هم تصاویر اهریمنانی چون سیاف، قانونی، گلابزوی، محقق، قدریه، انوری، عرفانی، اکبری، راکتی، توفان، عزت، گذر و غیره را در برابر خود می بینند، به این خاطر اکثر مردم برین انتخابات تف خواهند ریخت. این مسأله تا حدی اشغالگران را به اضطراب انداخته و به بهانه «خوب نبودن وضعیت امنیتی» در برگزاری آن شک دارند که یا آن را به تعویق خواهند انداخت و یا بعد از انتخابات تعداد شرکت کنندگان را به دروغ بالا نشان خواهند داد. فضل احمد معنوی یکی از جنگسالاران شورای نظاری و مزدوران مذهبی اشغالگران که ریاست کمیسیون برگزاری انتخابات به او «هدیه» شده، می گوید که «در صورتی وضعیت امنیتی بهبود نیابد ما به راه های قانونی توسل خواهیم جست» که اشاره مستقیمی به تعویق انداختن این انتخابات است. اینکه این باشه سرانگشت چقدر صلاحیت به تعویق انداختن انتخابات را دارد، برای همه روشن است. وی فقط چیزی را نشخوار می کند که بادرانش به او چشمک بزنند.

«سازمان انقلابی افغانستان» به عنوان تشکل آهنین و پیشاهنگ زحمتکشان کشور که در جریان کمپاین انتخابات ریاست جمهوری، در جزوه «با تحریم انتخابات، چپ منحرف را بی نقاب سازیم» تحلیل مارکسیستی از شرکت در انتخابات زیر اشغال به عمل آورد و به پیشگاه جنبش انقلابی کشور تقدیم نمود؛ اکنون نه تنها بر همان باور انقلابی استوار است که بار دیگر از انقلابیون و زحمتکشان کشور می خواهد تا درین انتخابات پوشالی شرکت نکنند، زیرا شرکت در چنین انتخاباتی خیانت و وطنفروشی آشکار بوده، برای دولت مزدور شکلی بخشیده می شود و به ازدیاد عمر اشغال در کشور ما کمک می کند.

در میان تشکل های مدعی مارکسیزم در افغانستان با تمام اختلاف نظرهای اساسی که با حزب کمونیست (مائویست) افغانستان داریم و بخشی از آنها در جزوه «پیوند با انجوایزم، گسست از مارکسیزم» آمده، ولی در مورد تحریم انتخابات پوشالی و زیر اشغال موضع اصولی داشته و حداقل تا حال درین مورد لغزشی نداشته است اما هستند سازمان های به ظاهر چپی که چپ و راست و به هر طریقی در مغالزه با اشغالگران وطن ما قرار می گیرند و در مورد انتخابات نیز در انحراف چند لایه غوطه ور اند. اینان در لویه جرگه ها شرکت نموده، در انتخابات پارلمانی گذشته فعالانه حضور داشته، در انتخابات اول ریاست جمهوری به نفع کاندید مشخصی اعلامیه داده و با اینکه در اثر چکش های پیهم «سازمان انقلابی افغانستان» و بی نقاب کردن انحراف های عریان آنها که یا باید انقلابی و یا ضد انقلابی بمانند، این بار با اینکه در انتخابات شوراهای ولایتی شرکت کردند و در چتلی به نام مشرانو جرگه حضور و با هوس عجیبی بوی این چتلی را استشمام می کنند، اما ظاهراً در انتخابات ریاست جمهوری بی آنکه کلیت انتخابات زیر اشغال را نفرین کنند، فقط در مخالفت با افراد معین به تحریم این افراد پرداختند که در حقیقت با سرافکندگی و خجلت برکلیت انتخابات پوقانه ای ریاست جمهوری، مهر تأیید گذاشته و تصویر یکی از کاندیدان شورای ولایتی پایتخت را دست به دست گشتانده و به اعضاء و هواداران شان دستور می دادند که «اگر رأی دادید» به این آدم بدهید. یکی ازین سازمان های منحرف درین انتخابات نیز به یکی از کاندیدان خود می گوید «ما کار نداریم که خود را کاندید میکنی یا خیر، ما برنامه و بودجه ای برای این کار نداریم» و با

چنین موضعگیری «بیطرفانه»، خام، سست و ناپیگیر نام سازمان چپ، انقلابی و پیشاهنگ را بر خود می گذارد. به قول مائو محکم نگرفتن به معنی نه گرفتن است، در حالیکه تعهد به مارکسیزم، لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون جز قاطعانه تأکید کردن بر شرکت نکردن در چنین انتخابات خایانه و پوشالی چیزی دیگری نیست که باید روشنفکران انقلابی و توده های زحمتکش کشور را از شرکت در آن جداً برحذر داشت و ضررهای خیانتبار آن را برای توده های مردم شناساند.

این برخورد کجدار و مریز که در زیر دل همگامی با انتخابات است، ناشی از مشی نا نوشته چنین تشکلاتی است. اینها در ظاهر طوری و در باطن طور دیگر می اندیشند، میان گفتار و عمل شان فرق فاحشی وجود دارد و به قول رفیق مائو در انبان هم این و هم آن را دارند که مطمئناً قادر نخواهند شد تا آخر عمر، شترمرغ بمانند. چنین تشکلاتی خوب «ورد» می آورند، اما «سوراخ دعا» را یا گم می کنند و یا عمداً مغشوش می دارند تا اعضاء ندانند که در عقب این تبر به درز نگرفتن چه امیال ضد انقلابی و سودآوری نهفته است. وقتی تشکلاتی به ظاهر انقلابی در کلی ترین مسایل در قبال اشغالگران کشور موضع انقلابی و مارکسیستی نداشته باشند، هرگز قادر نخواهند شد که در مسایل کوچکتر و مرتبط به آن موضع اصولی و روشن داشته باشند و به این صورت ظاهر و باطن شان در تضاد و تناقض قرار می گیرد. حرف های اول و آخر، کارهای عمده و ناعمه اینها عمداً نامرتب و سره از ناسره جدا شده نمی تواند. اینها بدون اینکه مشی مدون و نوشته شده ای داشته باشند، حتی برنامه و اساسنامه ای ترتیب بدهند، کنگره و انتخابی را مطرح سازند، تحلیلی از اوضاع ارائه کنند، کار روزانه و درازمدت شان مشخص باشد، از گذشته و مخصوصاً مغالزه با اشغالگران جمعبندی ارائه کنند، هر کاری که سود آتی پولی داشت به همان می چسبند و اعضاء هم سربه زیر، ناراضی و دلخور بی آنکه جرأت انتقاد را داشته باشند، نظاره گر این روزگار اند و خاموش و «بیطرفانه» این درامه را مشاهده می کنند.

از عمده ترین ابزارهایی که اشغالگران کشور ما می کوشند به وسیله آنها وجدان سازمان ها و تشکلات انقلابی را سیاه سازند، تشکیل انجوها، خوش و بُش با جواسیس امپریالیستی، سرمایه اندوزی، رفت و آمد به سفارتخانه ها و مورد حمایت قرار گرفتن آنها و تبدیل تشکل انقلابی به کمپنی سودآور و در ظاهر انجام حرکات انقلابی و واکنشی است که راه را برای ورود هر فکر ضد انقلابی در آنها باز می کند. رهبران این تشکلات با چنین دو روئی هیچگاه قادر نخواهند شد جلو انحراف و در نهایت خیانت را ازین سازمان ها بگیرند. این سازمان ها وقتی در برابر انتقادات تشکلات انقلابی قرار می گیرند، واکنش موقتی نشان داده و مثلاً شعار ضد اشغال را سر می دهند، اما چون انحراف در مشی و اندیشه آنها وجود دارد و فاشیسم فردی بر تشکلات شان سایه سنگین و سیاهی افکنده، لذا حاضرند برای به دست آوردن چند دالر و رسمی ساختن انجو و به دست گرفتن دل سردمداران اشغال حتی از روبروسی با اوپاما نیز شرم نمی کنند تا نشان و اوارد به خاطر جانکنی جهت پیاده نمودن برنامه های تشکلاتی چون یو اس ای آی دی را به دست آورند و مورد قدردانی و تقدیر کاخ سفیدی ها قرار بگیرند. اینجاست که دیگر شرکت و یا عدم شرکت اینان در انتخابات جدیت خود را از دست می دهد. صف اصلی انقلابی و غیرانقلابی در میان سازمانهای چپ و مدعی چپ مشخص می گردد، ادعای وطنپرستی و ضد وطنپرستی آنها روشن شده، شعارهای ضد اشغال چنین تشکلاتی بی مایه و بی ارزش می گردد چون اصل مسأله به جایی بر می گردد که باید یا بند ناف را از جایی بُرید که خون اشغال را در بدن این تشکلات جاری می سازد و یا اگر این پیوند نافی همچنان باقی می ماند، پس نباید شعارهای مسخره ای «ضد اشغال» اینان جدی انگاشته شود زیرا سیاست را نمی توان چون کاسه و کوزه های سالم و شکسته ای تعبیر کرد که در جایی ازین و در جایی از آن استفاده شود.

برای یک سازمان انقلابی در شرایط کنونی همین قدر کافیست که حد اقل با یک انجو در کنار دونه‌ها بلمد. بعضی از سران این سازمان‌ها زمانی می‌نوشتند «هیچ انجونی در افغانستان وجود ندارد که دُم آن زیر پای شبکه‌های استخباراتی قرار نداشته باشد» و یکی دیگر از همین قماش در برنامه تاریخی یکی از رادیوها گفت که «هیچ دونه‌ری برای رضای خدا به کسی پول نمی‌دهد، ابتدا امضایش را می‌گیرد و بعد برایش پول حواله می‌کند». وقتی چنین می‌گویند و بعد خودشان همان کار را می‌کنند که اگر با هزار زبان بخواهند به تبرئه و توجیه خود بپردازند، مطمئناً کسی از جمله افراد صفوف خودشان هم به چنان توجیهاتی باور نخواهند کرد و لابد باید نارضایتی میان صفوف آنها هر روز وسیعتر گردد و برخی اعتراف کنند که با رفتن ازین تشکیلات قادر به امرار معاش نیستند و درسایه این ضرب المثل جاودانی «مسجد گرم و گدا آسوده» بر تمام باورهای خود خط بطلان می‌کشند و درین مسجد گرم می‌خوابند.

تشکلاتی به ظاهر انقلابی که مشی مشخص و برنامه روشن‌شان را انجوایزم تشکیل می‌دهد، اعضای آنها با بی‌برنامگی و سرگردانی در میان دو کرسی نشسته، اکثر آنان تا آخر قادر به ادامه این وضعیت نیستند. به این خاطر گاه مثل کمپنی‌های رو به ورشکست آنها را اضطراب فرا می‌گیرد و چون «بتری‌های کهنه» بعد از نشست‌ها و جلسات کسل‌کننده و غیر عملی یکی دو پلیت چارج می‌گیرند و وعده و وعیدهای سرخرمنی که به زودی «این کوه را به آن کوه خواهند زد» به پی می‌مبدل می‌گردند. چون کار این تشکلات از اساس خراب است، در مغایرت با اصول مارکسیزم قرار دارند، خون کهنه در لاشه‌های شان جریان دارد و فاشیزم فردی این خون را به گردش نگره میدارد، لذا بعد از چند روز یکی دو پلیت چارج از دست رفته و هرکس پی کار خود می‌رود. واقعاً اگر پای این همه پول و عاید و مشکلات اقتصادی عده‌ای مطرح نمی‌بود، آیا چنین کمپنی‌هایی در ظرف چند روز تا عمق، شغالی نمی‌شد؟

موضعگیری در قبال انتخابات کنونی بار دیگر سازمان‌های انقلابی را به آزمون می‌طلبد که آیا در برابر آن قاطعانه می‌ایستند و یا پای شان باز هم می‌لنگد. سازمانهایی که در گذشته به خفت ضد مارکسیستی شرکت در انتخابات تن داده و حال به نحوی خود را ظاهراً نادم نشان می‌دهند، به هیچ وجه کافی نیست، آنها باید تمام تارهای ارتباط خود را با اشغالگران قطع کنند، مدال‌ها و اواردهای پست و پلشت امپریالیستی را آتش بزنند، بر انجوسازی تف بریزند و با انتقاد آتشین از این خفت‌ها، مخصوصاً شرکت در گله و طنفروشان پارلمانی، ریشه انحراف‌های گذشته را بخشکانند تا موضعگیری‌های مغشوش اخیر شان مقداری شفاف گردد، در غیر آن این چرخش مزورانه، افزون بر انحراف‌های گذشته خواهد شد و بالاخره در گودال خیانت کله پا خواهند گشت.

«سازمان انقلابی افغانستان» بار دیگر با این اعلامیه، از خلقهای زحمتکش کشور قاطعانه می‌خواهد که درین انتخابات شرکت نکنند و با رأی خود به عمر اشغال و امپریالیزم در کشور شان نیفزایند تا باشد این "نه" گفتن سرآغازی برای نبردهای بعدی زحمتکشان افغانستان جهت نابودی متجاوزان و مزدوران جنگسالار، تکنوکرات، طالب، خلقی و پرچمی در سرزمین بلاکشیده‌شان گردد و به زودی بیرق ظفرنمون آزادی و برابری بر قله‌های هندوکش و بابا به اهتزاز ابدی درآید.

مرگ بر امپریالیزم

در راه سوسیالیزم، به پیش

سازمان انقلابی افغانستان

۲۲ سنبله ۱۳۸۹